

جشنهای 2500 ساله شاهنشاهی

20 مهر ۱۳۵۰ با قرائت خطابه محمدرضا پهلوی در برابر مقبره کوروش هخامنشی در

پاسارگاد، جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی آغاز شد .

در این جشنها رؤسای جمهور، پادشاهان، نخست وزیران و هیأت‌های بلند پایه بیش از یکصد کشور جهان همراه با صدها رقاصه و گروه‌های متعدد ارکستر و موزیک از کشورهای مختلف شرکت داشتند. صدها نوع غذا و نوشیدنی‌های سفارشی از خارج کشور وارد شده و خیابان‌های تهران و دیگر شهرها چراغانی شده، رژه نمونه سربازان سواره و پیاده نظام مربوط به دوره‌های مختلف سلسله پادشاهی، مهمترین وجه ظاهری این جشنها بود .

جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی که با هدف بزرگداشت ۲۵ قرن حکومت پادشاهی در ایران ترتیب یافت بیش از سیصد میلیون دلار هزینه دربر داشت. این در حالی بود که متجاوز از نیمی از جمعیت کشور در روستاها و حومه شهرهای بزرگ در فقر و فلاکت زندگی می کردند .

رؤیاهای شاهانه

هدف اصلی شاه از برپایی اینگونه جشنها، بزرگ جلوه دادن عظمت دستگاه شاهی و شخص خود بود تا در لابلای زرق و برق اشیاء گران قیمت و کم نظیری که دستور تهیه آنها با قیمت‌های گزاف از جیب ملت ایران داده می‌شد، چهره سست اراده، مردد و ضعیف خود را پنهان سازد. در این مورد در کتاب آخرین سفر شاه چنین می‌خوانیم :

جشنهای ۲۵۰۰ ساله در تخت جمشید نمایشی از رؤیاهای بلند پروازیهای شاه بود... در مورد شخص شاه در رابطه با جشن ۲۵۰۰ ساله، ره آورد جشنهای تخت جمشید جدایی کامل او از واقعیات بود. او بیش از پیش دچار اشتغال فکری درباره سلطنت خودش و اهمیت جانشینی مستقیم خود بر اریکه کوروش گردید. «جیمزبیل» در کتاب عقاب و شیر می نویسد :

«محمدرضا شاه پهلوی با این جشنهای ۲۵۰۰ ساله، دوره جدیدی را در پادشاهی خود آغاز کرد، دوره جنون انجام کارهای بزرگ، بسیاری از معروفترین و مقتدرترین چهره‌های جهان در تخت جمشید برای ستایش کشور شاه و بلکه مهمتر، برای ستودن خود او، به این محل آمده بودند... و شاه احساس رضایت و خرسندی می کرد که میهمانان در مورد این که چه کسی

مجللترین اقامتگاه را گرفته، چه کسی محترمترین مکان را در میزهای ضیافت داشته و چه کسی از هلیکوپتر به جای سفر با لیموزینهای مرسدس استفاده کرده با هم دعوا می کردند .

تاریخ قطعی برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله در چهارمین مرحله، سال ۱۳۴۶ بود، لیکن بنابر دلایل مالی و این که جشن تاجگذاری نیز قرار بود در همین سال برگزار گردد، برگزاری

جشنهای ۲۵۰۰ ساله به بعد از سال ۱۳۴۸ موکول شد. در واقع شاه به دنبال اثبات این مطلب بود که راز بقای حکومت و ملت ایران، رژیم شاهنشاهی است و تمامی عظمت و عزت ملت

ایران به دلیل داشتن رژیم شاهنشاهی است. وی طی سخنانی که در ۱۳۵۰/۷/۲۰ در پاسارگاد خطاب به کوروش سرسلسله پادشاهی هخامنشی ایراد کرد در این مورد چنین گفت :

«در این بیست و پنج قرن، کشور تو و کشور من، شاهد سهمگینترین حوادثی شد که در

تاریخ جهان برای ملتی روی داده است. ... اکنون ما در اینجا آمده‌ایم تا به سربلندی تو بگوییم که پس از گذشت بیست و پنج قرن، امروز نیز مانند دوران پرافتخار تو پرچم شاهنشاهی ایران پیروزمندانه در اهتزاز است...» او با این سخنان می‌خواست دلیلی بر موجودیت خویش اقامه

کند و با ارائه تنها یک مدل ثابت و طولانی برای شکل حکومت در ایران، همواره در اذهان عمومی این نکته را جایاندازد که حکومت در ایران مساوی با شاهنشاهی است؛ وی بر این بود تا با اتصال تاریخی خود با یکی از پادشاهان باستانی ایران که از نظر او ارزش و اهمیت بیشتری داشت، بتواند با کسب نظر موافق خارجی‌ها و تأیید و صحنه‌گذاری آنان بر برنامه‌هایش، محبوبیت بیشتری در نزد مردم ایران به دست آورد. شاه معتقد بود در صورت کسب موفقیت

در جلب نظر دولت‌های خارجی به ویژه امریکا نسبت به برنامه‌هایش، می‌تواند با بزرگ‌نمایی این مسئله و دلالت بر تأیید شخصیت‌های باصطلاح سیاسی، مهر تأییدی بر اقداماتش بزند. هدف شاه از رویکرد به باستان‌گرایی و آن هم از دوره کوروش و نادیده گرفتن حدود چهار هزار سال حکومت اقوام دیگر در ایران، تسکین حس ترس و ناامیدی بود که در طول حکومتش از شهریور ۱۳۲۰ تادی ۱۳۵۷ همواره او را تحت سیطره خود داشت. مردم نیز به خوبی دریافتند

که تمامی خواسته‌ها، عزت، شرف و آینده‌شان در دست کسی است که تنها به دنبال عظمت‌طلبی برای خود است و بس. و به هیچکس جز خود و خانواده‌اش نمی‌اندیشد. در این خصوص در کتاب شکست شاهانه چنین می‌خوانیم:

«به نوشته یکی از وزیرانش، شاه برای هیچ ایرانی دیگر ذره‌ای ارزش قائل نبود با آنکه عظمت

فرهنگ و سهم آن در دستاوردهای تمدن جهانی را می‌ستود، اما برای ایرانیان ارزش قائل نبود.

به گفته یکی از مأموران آمریکایی که مدت‌ها در ایران خدمت کرده بود و به شاه نیز دسترسی

داشت، شاه مردم ایران را ضعیف، تنبل و پولکی می‌دانست. او عقیده داشت که برای انجام

مأموریتش - اعاده عظمت به ایران - باید برای این خصوصیات منفی مردم خود فکری بکند.»

با فاصله گرفتن شاه از مردم، این حقیقت مشخص تر شد که اقدامات اصلاح طلبانه وی همچون

انقلاب به اصطلاح سفید تنها اقداماتی ظاهری و عوامفریبانه است که ناشیانه از سوی اربابان شاه

طراحی و دیکته شده است .

در واقع رویکرد سریع شاه به اسلام‌زدایی و اجرای برنامه‌های گسترده، اما بدون مطالعه و

برنامه‌ریزی دقیق و مشخص، نشانگر عدم شناخت صحیح و روشن وی از جامعه ایران و

خواستگاههای اصلی و زیربنایی مردم آن (یعنی اسلام) بود. از سوی دیگر به نقش عمده و

حیاتی روحانیون در جامعه اسلامی ایران و محبوبیت عام آنان در میان توده‌های مردم و نهادهای

شدن این ارتباط طی سالهای متمادی (بیش از ۱۲۰۰ سال) توجه کافی نداشت .

ویلیام شوکراس در این خصوص چنین می‌نویسد :

«شاه با برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله در واقع با بزرگداشت ایران در زمان کوروش و

داریوش، عملاً بخشی از تاریخ ایران را که به مراتب متناسب‌تر با قرن بیستم میلادی است

نادیده می‌گیرد و آن تعالیم حضرت محمد(ص) پیامبر اسلام است. در ایران، اسلام نقش نگهبان

مردم در برابر قدرت شاهان را ایفا می‌کرد و روحانیون تا قرن بیستم از نفوذ فراوانی برخوردار

بودند و در این قرن بود که دودمان پهلوی کوشید قدرت آنها را کاهش دهد».

تجهیزات، هزینه‌ها و ولخرجی‌ها

نویسنده کتاب آخرین سفر شاه درباره هزینه‌های جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی چنین می‌نویسد:

«در اکتبر (۲۰، ۱۹۷۱) مهر (۱۳۵۰) محمدرضا پهلوی ضیافتی ترتیب داد که از تمام میهمانی‌ها

برتر بود. او از تمام رهبران جهان دعوت کرد. البته همه نیامدند... همه چیز جشن را هم از

پاریس آورده بودند. در دشت خاکی خشک و مرتفع تخت جمشید اردوگاهی مرکب از

خیمه‌های گران بها به وسیله ژانسن دکوراتور فرانسوی برپا شده بود... آرایشگران طراز اول از

سالن‌های کارینا و الکساندر پاریس به تخت جمشید پرواز کردند. «الیزابت آردن» یک نوع کرم

صورت تولید کرد که نام آن را «فرح» گذاشت تا در جعبه‌های مخصوص به میهمانان هدیه

شود. «باکارا» گیلای پایه دار کریستال طراحی کرد، «سرالین» جایگاه میهمانان را روی

سفال‌های قرن پنجم پیش از میلاد ساخت. «رابرت هاویلند» فنجان و نعلبکی‌هایی ساخت که

فقط یک بار مورد مصرف میهمانان قرار گرفت... «لان ون» اونیفورم‌های جدیدی برای

کارمندان دربار تهیه کرد که نیم تنه آن به طرز شکیل ولی نه زننده با بیش از یک و نیم کیلو

نخ طلا دوخته شده بود. دوختن هر یک از این اونیفورم‌ها، نزدیک به ۵۰۰ ساعت کار لازم

داشت. غذاهای ضیافت تخت جمشید را اصولاً رستوران «ماکسیم» تهیه می‌کرد... «لویی وریل»

رئیس ماکسیم... به این مناسبت یک بشقاب جدید و بسیار عالی محتوی خاویار و تخم

بلدرچین آب پز اختراع کرد... صورت غذای ضیافت شام اصلی با مرکب سیاه روی صفحات

پوست آهو نقش شده و با یک ریسمان تاییده طلائی بصورت یک کتاب کوچک باجلد

ابریشمی آبی و طلائی صحافی شده بود. پس از تخم بلدرچین با مروارید دریای خزر، غذای

بعدی با ته دم خرچنگ با سس «نانتوآ» بود، غذای اصلی خوراک پشت بازوی بره سرخ شده

در روغن خودش بود که درون آن را با سبزی های خوشبو انباشته بودند. برای تازه کردن گلوی

میهمانان، شربت یا شامپاین کهنه فرانسوی (موث ۱۹۱۱) می آوردند. آنگاه خوراک طاووس به

سبک شاهنشاهی با سالاد مخلوط طبق سلیقه «الکساندر دوم» صرف شد. به عنوان دسر، بشقاب

انجیر به شکل حلقه ای که درون آن را با تمشک یا پورتو انباشته بودند، آوردند و در پایان قهوه

موکا... همراه با قهوه نیز «کونیاک» پرنس اوژن مخصوص خمخانه ماکسیم صرف شد ...

ساواک نیز تجهیزات، چادرها و وسایل پیشرفته و گران بهای مخابراتی آن روز را چنین تشریح

می کند :

«این کمپ و چادرهای پذیرایی تخت جمشید... به وسایل شگفت انگیزی مجهز است که

آمیخته است از تجمل قدیمی و وسایل مدرن عصر فضا (از آن جمله حمام مرمر - فرش های

ابریشمی و ایرانی و...) سران کشورها در تمام ۲۴ ساعت از طریق شبکه مخابراتی ماه مصنوعی

با پایتخت های خود به وسیله تلفن و تلکس در تماس خواهند بود. شبکه مخابراتی میکروویو

که ۲۷۵ میلیون دلار خرج آن شده است و گرانترین و دقیق ترین شبکه مخابراتی جهان به شمار

می رود ...

شهرداری تهران طی مکاتبه‌ای که در ۱۳۴۹/۱۱/۲۰ با شورای مرکزی جشن شاهنشاهی انجام می‌دهد ریز برخی مخارج مربوط به جشن را چنین عنوان می‌کند:

«... در خصوص اعتباراتی که برای اجرای برنامه مصوب شهرداری پایتخت در مراسم جشن شاهنشاهی ایران در نظر گرفته شده است به استحضار می‌رساند: قرارداد اجرای چراغانی و تزیین میدین و مسیرهای فوق الذکر با شرکت «اروین مارتین» به مبلغ ۱۹۴۸۶۰۰۰ ریال به امضای رسیده و پیمانکار مشغول آماده کردن مقدمات اجرای کار می‌باشد... متعاقب افتتاح میدان شهید آریامهر، برنامه آتش بازی باشکوهی به مدت دو و نیم ساعت به موقع اجرا گذاشته خواهد شد که قرارداد آن به مبلغ ۱۹۰۰۰۰۰۰ ریال با شرکت «موگ» تنظیم و شرکت نامبرده مشغول تهیه لوازم مربوطه می‌باشد... هنگام افتتاح شهید آریامهر لوحه‌ای از طلای ناب از طرف شهردار پایتخت از طرف تمام مردم شاهدوست شهر به پیشگاه شاهنشاه تقدیم خواهد شد. وزن لوحه ده کیلو می‌باشد که حدود ۱۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال برآورد قیمت می‌شود. در اجرای برنامه کاروان شادی که یکی از موارد مصوب شهرداری پایتخت می‌باشد اقدامات مقدماتی بعمل آمده و اعتباری معادل سه میلیون ریال پیش بینی شده است... علاوه بر این دو میلیون ریال برای مخارج پیش بینی نشده در نظر گرفته خواهد شد... برای پارک آرامگاه رضاشاه مبلغی معادل بیست میلیون ریال در نظر گرفته شده است... با این تفصیل از طریق شهرداری پایتخت مبلغی حدود صد و هشتاد میلیون ریال بابت جشن و کارهایی که به مناسبت و مقارن آن انجام می‌شود به مصرف خواهد رسید.»

برای تکمیل برنامه تزئین پایتخت و شهر شیراز از یک مؤسسه انگلیسی نیز کمک گرفته شد. ساواک در بولتن ویژه در این خصوص چنین آورده است :

«به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس پیرامون تزئین شهرستان تهران و شیراز به وسیله یک

مؤسسه انگلیسی مؤسسه (ایروین نارتین) مقیم شهر سافولک انگلستان که یکی از بزرگترین

مؤسسات تزئینی جهان به شمار می رود، ۸۶۴ هزار دلار لامپ و مجسمه های پلاستیکی تهیه

می کنند که در جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران به مصرف تزئین خیابان های تهران و

شیراز برسد... سخنگوی این مؤسسه گفت مجسمه های پلاستیکی متعددی از کوروش کبیر،

داریوش و همچنین مرغ طاووس که مظهر تخت طاووس ایران است تهیه خواهد کرد...»

جشنهای ۲۵۰۰ ساله و فقر و فلاکت مردم

این ولخرجی ها و اتلاف سرمایه های ملی در حالی انجام می شد که مردم ایران در فقر و

تنگدستی به سر می بردند. در اکثر شهرها و روستاهای کشور، اثری از وسایل اولیه و مقدماتی

رفاه عمومی و حداقل امتیازات زندگی ساده برای عامه مردم وجود نداشت. حتی «تایمز» و

«نیوزویک» تحسین کنندگان همیشگی شاه، هر دو گزارش های انتقادی در مورد وقایع تخت

جمشید منتشر کردند :

اکثر کارشناسان و رسانه های خبری دنیا و حتی حامیان محمدرضا، هزینه این جشن را گزاف و

چیزی حدود ۳۰۰ میلیون دلار برآورد کردند، این مبلغ در کشوری که درآمد سرانه آن اگرچه

رو به افزایش داشت، ولی از سالی ۵۰۰ دلار تجاوز نمی کرد، بسیار گزاف به شمار می رفت .

اقتدار مختلف مردم در داخل کشور نیز نظری مشابه نظرات بیگانگان داشتند. البته واقع بینانه تر و ملموس تر. ساواک در گزارش ویژه خود در این خصوص چنین می گوید:

«بعد از ظهر روز ۱۳۵۰/۴/۳ چند نفر از افراد حاضر در مسجد خیابان فردوسی قبل از شروع

سخنرانی فخرالدین حجازی ضمن صحبت های خصوصی اظهار داشتند: وضع بازار بد است و

این جشن ها و مخارج کمرشکن آن وضع اقتصادی را شکسته و نابود کرده است. مالیاتها زیاد

شده، حتی کارمندان دولت، هم از گرانی کرایه منزل و بالارفتن سطح زندگی ناراحت هستند.

دولت فریاد می زند که مخارج جشنها را خودش تأمین کرده در صورتی که با گرانی روزافزون

و مالیاتهای کمرشکن که از بازاری های بدبخت و مردم کوچه و بازار گرفته اند، این علم و کتل

را راه انداخته اند. به خدا امسال بازار گرفتار ورشکستگی حتمی خواهد شد و لااقل ۳۵٪ تجار

ورشکست خواهند شد. در میان آن چند نفر یکی کارمند دولت بود و گفت: آقا از حقوق ما

هم برای جشن مبلغی کم کرده اند، بدبختی اینجاست که کسی جرأت حرف زدن را ندارد و آن

بیچاره (آیت الله سعیدی) تا آمد حرفی بزند توی زندان او را کشتند»

در شهرستان های کوچک و در روستاها وضع بدتر از پایتخت بود و اغلب مردم دچار

خشکسالی و وضع نابسامان اقتصادی بودند. چنانکه ساواک در گزارش خبری خود به ذکر

صریح آن پرداخته است:

«فرماندار فیروزآباد را تحت فشار قرار داده که باید یک سالن ورزشی به یادبود جشن های

۲۵۰۰ ساله در فیروزآباد بسازند و اصناف نیز که در سالجاری به علت خشکسالی و خرابی

وضع بازار و کسب در وضع بسیار نامساعدی بسر می‌برند از این موضوع ناراضی و اظهار می‌دارند، نمی‌توانیم هزینه این باشگاه را که بالغ بر یک میلیون ریال می‌باشد، تأمین نمایم.» در خصوص درک شرایط زندگی مردم و این که برنامه جشن، غیر منطقی، بی‌فایده و بیهوده است، تقریباً نظرها متفق و هماهنگ بود و تنها کسی که مستانه و دیوانه‌وار از برپایی جشن دفاع می‌کرد شخص محمدرضا بود که از درک و شناخت مردمش عاجز بود و تنها سودایی که در سر نداشت و به آن اهمیت نمی‌داد، مسئله حقوق و وضع زندگی مردم ایران بود. حتی برخی از عناصر درگاه او نیز زبان به اعتراض و تعجب گشودند. سپهد فریدون سنجر که خود یکی از آجودان‌های سران کشورهای افریقایی در جشن بود، در خاطراتش چنین می‌گوید:

«وقتی چشمم به آن بلوار زیبا و درختهای زینتی و گلکاری‌ها و فواره‌ها و آب‌نماها در شهرک چادرها که به این مناسبت (جشن ۲۵۰۰ ساله) برپا کرده بودند، افتاد در دلم گفتم برای ساخت این ویلاهای چادری و این بلوارها و گلکاری‌ها چقدر انرژی و پول مصرف شده است؟ آیا نمی‌شد این پولها را در راهی خرج کرد که به درد جامعه بخورد؟»...

اما نظر نوکران و کاسه‌لیسان محمدرضا با مردم و کارشناسان داخلی و خارجی و خلاصه هر فرد واقع‌بین و دلسوز تفاوت داشت. آنها از محمدرضا آموخته بودند که فقط به خود بیاندیشند و بس و شاه را نیز همواره مدنظر داشته باشند؛ چرا که حیاتشان به حیات او بستگی مستقیم دارد. بر این اساس به این نظرات وقعی نمی‌گذاشتند و هنگامی که صحبت از کمک به مردم مسلمان کشور که خود آنها مسبب گرفتاری و بدبختی و فقر و فلاکتشان بودند می‌شد، از زیر

بار مسئولیت شانه خالی می کردند. اسدالله علم از یاران دهه ۴۰ محمدرضا طی مکاتبه ای که در پاسخ به نامه شورای مرکزی جشن ارسال نموده چنین می گوید :

«جناب آقای سناتور بوشهری - رئیس محترم شورای مرکزی جشن شاهنشاهی - عطف به نامه

شماره ۲۳۴۸/۱۳۴۱ مورخ ۴۹/۳/۷ موضوع تأمین دو میلیون تومان اعتبار جهت احداث خانه برای زاغه نشینان شیراز این اعتبار را از کجا دولت می تواند تأمین کند فکر نمی کنم چنین پولی در حال حاضر موجود باشد.»

تضاد فکری و رفتاری بین شاه و مردم ادامه داشت و روز به روز با اقدامات غیر معقول و حساب

نشده رژیم پهلوی افزایش می یافت. چنانچه پس از گذشت هفت سال از برپایی جشن های

۲۵۰۰ ساله بسیاری از زنان و مردانی که در ۱۳۵۷ ش صدای خود را برای ابراز مخالفت با شاه

بلند کرده بودند، جشن های تخت جمشید را به عنوان یکی از نمونه های نابخشودنی

زیاده روی های پهلوی ذکر کردند .

امام خمینی (ره) که هنگام برگزاری جشن های ۲۵۰۰ ساله، در تبعید عراق بودند، طی

سخنرانی ها و پیام هایی، این جشن ها و اسرافکاری های دولتی را مورد انتقاد قرار دادند. امام در

مواضع خود، نکات زیر را یادآور شدند :

- چرا کارشناسان اسرائیلی برای این تشریفات دعوت شده اند؟

- شاهنشاهی ایران از اول که زائیده شده تا حالا روی تاریخ را سیاه کرده است .

- برملت است که با جشن های دوهزار و پانصد ساله مبارزه منفی کند .

- به حکومت ایران بگویند که آقا از این جشن دست بردارید.

ولخرجی های بی حساب و کتاب شاه در جشنهای ۲۵۰۰ ساله به حدی بود که «اوتانت» دبیر کل

وقت سازمان ملل دعوت شاه برای شرکت در این جشنها را نپذیرفت. «برایان اور کهارت»

مشاور انگلیسی «اوتانت» در کتاب خود تحت عنوان «زندگی در جنگ و صلح» در زمینه

دعوت شاه از اوتانت و پاسخ وی می نویسد:

«... اوتانت دعوت شاه سابق ایران را جهت شرکت در جشنهای معروف به دو هزار و

پانصدمین سال شاهنشاهی ایران نپذیرفت. در این جشنها دهها رئیس جمهور، معاون

رئیس جمهور، پادشاه و ولیعهد شرکت کرده بودند و میلیونها دلار با اسراف زیادی در این

مراسم هزینه شده بود. اوتانت در برابر دعوت شاه ایران جهت شرکت در این جشن اعلام کرد:

در حالی که نیمی از جمعیت کره زمین به سبب فقر با مرگ دست به گریبان هستند و در حال

گرسنگی مطلق به سر می برند، این همه اسراف معنی ندارد»...»

منابع:

- ویلیام شوکراس، آخرین سفر شاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ انصاری، نشر البرز، تهران،

۱۳۷۰.

- بزم اهریمن، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، جلد ۲، ص ۱۰.

- ماروین زونیس، شکست شاهانه، ترجمه عباس مخبر، نشر طرح نو، تهران ۱۳۷۰.

- فخر روحانی، اهرمهای سقوط شاه، جلد اول، نشر بلیغ، تهران، 1370.

- جیمز اونیل، عقاب و شیر، جلد اول، ترجمه مهنوش غلامی، نشر کوبه، تهران، 1371.

- باری روبین، جنگ قدرتها در ایران، چاپ اول، ترجمه محمود مشرفی.

- نهضت امام خمینی، سید حمید روحانی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- زندگینامه دبیران کل سازمان ملل، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور

خارجه.